

جامعه‌سازی دینی در سیره نبوی

علی محمدی آشنانی*

چکیده:

بر اساس آیات و فرامین الهی، پیامبر اعظم ﷺ و اعظم پیامبران ﷺ به عنوان آخرین فرستاده آسمانی رسالت داشت جامعه و امتی یگانه، فراگیر، معتدل و متعادل، حق‌مدار، عدالت‌گستر و نمونه و شاهد بر همگان و به بیان دیگر، بهترین جامعه و امت از آغاز خلقت تا کنون را ایجاد نماید. در این نوشتار ضمن اشاره به آموزه‌های جامعه‌ساز در آیات قرآن و روایات، هفت اصل از آن آموزه‌ها به تفصیل بررسی شده است:

۱. اصل اقامه عدالت توسط همه مردم در زندگی فردی و اجتماعی؛
 ۲. اصل وحدت، حل و فصل اختلافات و مهرورزی؛
 ۳. اصل تعاون و همکاری در کارهای خیر و عدم تعاون در گناه و تجاوز؛
 ۴. اصل احسان و نیکوکاری و انفاق و مبارزه با فقر و بسط درست کاری و صداقت در داد و ستدها؛
 ۵. اصل مسئولیت نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر؛
 ۶. اصل مبارزه با هرگونه فساد اخلاقی، مالی، اداری و سیاسی؛
 ۷. اصل سامان‌دهی و بسامان نمودن امور.
- با توجه به این که بر اساس وعده خداوند در قرآن کریم، جامعه بشری، به سوی بسط و گسترش روزافزون اسلام و تحقق اراده الهی مبنی بر احکامیت مطلق ارزش‌های الهی در حال حرکت است و در آینده، جامعه جهانی واحد و تکامل یافته‌ای به رهبری مهدی موعود از اهل بیت مطهر پیامبر ﷺ تشکیل خواهد شد که در آن همه ارزش‌های امکانی انسانیت به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود خواهد رسید، رسالت همه مذاهب اسلامی، برنامه‌ریزی و گام برداشتن در جهت تحقق اهداف جامعه‌سازی نبی مکرم اسلام ﷺ و بر مبنای قرآن و سیره گران‌سنگ نبوی دانسته شده است.

کلید واژه‌ها: جامعه‌سازی دینی، سیره نبوی، عدالت، وحدت، احسان، نظارت همگانی.

* پژوهشگر، مدرس حوزه و دانشگاه.

بدون تردید همه افراد بشر دارای فطرت پاک الهی (روم/۳۱) و از زندگی اجتماعی برخوردار و به تعبیر قرآن کریم، امتی واحد بوده‌اند؛ «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» (بقره/۲۱۳). به فرموده علامه طباطبایی: «محصل معنای «...النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» این است که انسان موجود اجتماعی است. به گونه‌ای که هیچ عامل دیگری، آنها را از این نیاز مستغنی نمی‌کند». (طباطبایی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۱۲۶).

عوامل مختلفی، از یک سو، فطرت توحیدی مردمان را پوشانده و از سوی دیگر، آنان را از یکدیگر جدا و متفاوت ساخته است؛ قرآن کریم، با تأکید بر یکسانی نژاد و همسانی سرشت انسان‌ها، انواع اختلاف را مطرح و برخی از اقسام آن هم‌چون تفاوت نژاد، رنگ، زبان و گویش، استعداد و طبع را دارای منشأ طبیعی و فطری و بر اساس اراده حکیمانه خداوند و نه نشانه برتری افراد بر یکدیگر دانسته است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ أَي مَرْدَم! مَا شَمَا رَا از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت، ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا از یکدیگر شناخت متقابل حاصل نمایید. همانا ارجمندترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست». (حجرات/۱۳).

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافُ اَللِّسِنَتِكُمْ وَالْاَلْوَانِكُمْ؛ و از نشانه‌های خداوند، آفرینش آسمان و زمین و گوناگونی زبان و رنگ‌های شماست». (روم/۲۲)

«وَ قَدْ خَلَقْنَاكُمْ اَطْوَارًا؛ شما را گوناگون آفریده است». (نوح/۱۴).

«أَلَمْ يَجْعَلُوا رَحْمَةً رَبِّكَ؛ آیا آنها رحمت پروردگار تو را قسمت می‌کنند؟» (زخرف/۳۲).

ولی قرآن از اختلافات مذموم و غیرطبیعی دیگری نیز سخن به میان آورده است که منشأ آن، خودخواهی و شقاوت (بقره/۱۷۶)، ظلم و طغیان (بقره/۲۳، آل‌عمران/۱۹ و جاثیه/۱۷) تردیدهایی واهی (نساء/۱۹۷) یا نادیده گرفتن حق پس از روشن شدن آن (یونس/۹۳) می‌باشد و به همین جهت پاره‌ای از مردم و حاملان تورات و انجیل را به خاطر این گونه اختلافات، سرزنش نموده است.

یکی از مسئولیت‌های مهم انبیای الهی به اذن و فرمان خداوند بزرگ (انبیاء/۷۳، سجده/۲۴، ابراهیم/۱۱ و ۱۰، مانده/۱۶ و احزاب/۴۶)، دعوت مردم به پاسخ‌گویی به ندای درونی توحیدی فطرت خویش از یک سو (بقره/۲۱، مانده/۷۲، اعراف/۵۹، ۶۵، ۷۳ و ۸۵ و نحل/۳۶) و حل اختلافات غیرطبیعی آنها^۱ از طریق اقامه عدل^۲ و اجرای حدود الهی^۳ و آزادسازی انسان‌ها^۴ از غل و زنجیرهای خرافات، عادات و رسوم غلط، جهل و نادانی، قوانین نادرست، اسارت و استبداد در چنگال طاغوتیان و زندگی

۱- «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ» (نحل/۶۴ و نیز بقره/۲۱۳).

۲- «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵).

۳- نساء/۱۳ و ۱۴.

۴- «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف/۱۵۷).

ناهنجار طبقاتی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۲۶-۲۷) و در یک کلمه، «جامعه‌سازی دینی» و به تعبیر دقیق‌تر از نظر نگارنده، «امت‌سازی اسلامی» بوده است.

خداوند دعای حضرت ابراهیم علیه السلام، پرچمدار بزرگ توحید و پدر انبیای بزرگ الهی را چنین نقل می‌کند: «رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ» (بقره/۱۲۸).

بر اساس این، بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اعظم پیامبران صلی الله علیه و آله نیز به عنوان آخرین فرستاده آسمانی (احزاب/۴۰)، آن بوده است که با انجام رسالت توحیدی خود و اقامه عدالت، امتی یگانه^۱ فراگیر^۲ معتدل و متعادل و جامعه‌ای نمونه و شاهد بر همگان^۳ و به دیگر سخن، بهترین امت از آغاز خلقت تا کنون^۴ را ایجاد نماید.

تحقق این اراده الهی و انجام این رسالت آسمانی^۵، به ایمانی کامل^۶، شرح صدری خداداد^۷، اراده‌ای پولادین^۸، رحمتی فراگیر^۹، تلاشی طاقت‌فرسا^{۱۰} صبری جمیل^{۱۱} و استقامتی والا و همه‌جانبه و در شأن فرمان الهی^{۱۲} می‌طلبید که خداوند متعال، آنها را به پیامبر رحمت خویش صلی الله علیه و آله عطا فرمود و به این جهت او را نمونه و شاهد قرار داد.^{۱۳}

و نه تنها همه مؤمنان امیدوار و در جست‌وجوی یاد خدا را به اسوه و الگوگیری از او فراخوانده^{۱۴}، بلکه پیروی از رسول خدا را حیات‌بخش^{۱۵} و ایمان و یاری او را عامل رستگاری^{۱۶} معرفی نموده است و از سوی دیگر، سرباز زدن از فرمان^{۱۷} و سنت و سیره آن حضرت را موجب فرو افتادن در جهنم دانسته است.^{۱۸}

۱- «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء/۹۲ و نیز مؤمنون/۵۲).

۲- «وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا» (سبأ/۲۸).

۳- «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره/۱۴۳).

۴- «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (آل عمران/۱۱۰).

۵- «وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص/۵).

۶- «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ» (بقره/۲۸۵).

۷- «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرَّسُولِ» (احقاف/۳۵).

۸- «وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۱۰۷).

۹- «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (معارج/۵).

۱۰- «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا» (مزمّل/۷).

۱۱- «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (معارج/۵).

۱۲- «وَ يَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره/۱۴۳).

۱۳- «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۳).

۱۴- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال/۲۴).

۱۵- «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (اعراف/۱۵۷).

۱۶- «وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا» (جن/۲۳).

۱۷- «يَوْمَ تَقْلَبُ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَ أَطَعْنَا الرَّسُولَ» (احزاب/۶۶).

بر اساس این، هرکس که عملش، برابر فرمان و هم‌چون عمل رسول... نباشد، نباید خود را شیعه یا از اهل سنت بنامد.

آری، خداوند با مقرون ساختن اطاعت خود به اطاعت رسول^۱ این نکته را به ما گوشزد نموده است که نه تنها اطاعت و پیروی از سنت و سیره رسول گرامی اسلام ﷺ، اطاعت از خداوند بزرگ^۲ و نشانه محبت حضرت حق و راز محبوبیت نزد او و عامل برخوردارگی از مغفرت کریمانه الهی است،^۳ بلکه تنها با اطاعت از آن حضرت می‌توان به صراط مستقیم راه یافت (زخرف/۴۳) و با هدایت شدگان و نعمت یافتگان الهی همراه شد.^۴

به این جهت، بر اساس آیه کریمه: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر/۷) باید اولاً: از رها کردن و کم توجهی علمی و عملی به بزرگ‌ترین ره‌آورد سفارت آسمانی آن حضرت، یعنی قرآن، که موجب شکایت به درگاه خداوند متعال می‌شود،^۵ دوری گزید.

و ثانیاً: از سبقت گرفتن بر رسول الله^۶ و بالا بردن صدای خود بر سخن آن حضرت و ترجیح و برابری سنت و سیره دیگران بر آن وجود شریف یا متروک ساختن روش او دوری نمود که ما را از سعادت محروم نموده و عذاب الیم را در پی خواهد داشت.^۷

گفتنی است سنت قولی و سیره عملی آن حضرت، از آن رو که بر اساس توحید ناب و برابر تربیت ویژه الهی تنظیم شده، همانند و همتایی ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۸، ص ۱۳۵). از این رو همه امامان اهل بیت^{علیهم‌السلام} بر اساس آن سیره مبارک حرکت نموده و ما را به پیروی از آن مسیر فراخوانده‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰ و ۱۸۲). و امام حسین^{علیه‌السلام} نیز نهضت مقدس خود را با همین شعار آغاز نمود و به پایان برد؛ «اسیر بسیره جدی و ابی» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۴، ص ۳۲۹).

نکته قابل تأمل این که شناخت دقیق و عمیق سیره گران سنگ پیامبر که تجلی صراط مستقیم است، کار ساده‌ای نیست؛ زیرا بازشناسی دقیق آن از سنت‌هایی که بعداً به واسطه اصحاب و یاران یا تحت

۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ» (نساء/۵۹).

۲- «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء/۸۰).

۳- «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران/۳۱).

۴- «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدَّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنٌ أُولَئِكَ رَافِقًا» (نساء/۶۹).

۵- «وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان/۳۰).

۶- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (حجرات/۱).

۷- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَ لَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» (حجرات/۲).

تأثیر بسط و نشر فرهنگ جوامع تازه مسلمان شده، جای‌گزین سنت و سیره اصیل رسول خدا شده‌است، نیازمند ذهنی صاف، انگیزه‌ای ناب، دانشی گسترده و پرهیز از تعصب و فرقه‌گرایی‌های مذهبی است. آن‌چه در پی می‌آید، نگرش کوتاهی است به برخی از تلاش‌های اساسی، سنت و سیره جامعه‌سازی دینی پیامبر اعظم ﷺ که برابر آیات کریمه قرآن و روایات تدوین شده و سعی گردیده مواردی مطرح گردد که هم اکنون نیز راهبرد اساسی جامعه‌سازی اسلامی به صورت جهانی باشد؛ زیرا این همان مسئولیت بزرگ و وظیفه مهمی است که بر عهده ماست، چون اگر خداوند متعال می‌خواست، خود امت اسلامی جهانی را به اراده تخلف ناپذیر خود بنیان می‌کرد، ولی این مسئولیت را بر دوش امت گذاشت تا روشن شود کدام یک از ما نیکوتر به انجام وظیفه می‌پردازد:

«وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَأَسْبِغُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (مائده/۴۸).

آموزه‌های اساسی اجتماعی دین

از محتوای آیات قرآن و روایات می‌توان آموزه‌های جامعه‌ساز دین را استخراج و در قالب اصول اساسی ذیل ارایه نمود:

۱. اصل اقامه عدالت توسط همه مردم در زندگی فردی و اجتماعی (مائده/۵)؛
۲. اصل وحدت، حل و فصل اختلافات و مهرورزی (انفال/۱۶)؛
۳. اصل تعاون و همکاری در کارهای خیر و عدم تعاون در گناه و تجاوز (مائده/۲)؛
۴. اصل احسان و نیکوکاری (بقره/۱۹۵) و انفاق و مبارزه با فقر (انفال/۴۱) و بسط درست‌کاری و صداقت در داد و ستدها (شعرا/۱۸۱)؛
۵. اصل مسئولیت نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر (اعراف/۱۹۹)؛
۶. اصل مبارزه با هر گونه فساد اخلاقی، مالی، اداری و سیاسی (قصص/۷۷)؛
۷. اصل سامان‌دهی و بسامان نمودن امور. اینک تفصیل مطالب بالا به اختصار تقدیم می‌گردد.

۱. اصل اقامه عدالت

اقامه عدل، فرمان خداوند^۱ و یکی از اهداف اصلی بعثت همه انبیا بوده است: «ما پیامبران خود را با دلایل روشن همراه با کتاب و میزان فرستادیم تا مردم قسط را برپا دارند». (حدید/۲۵).

۱- «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» (نحل/۹۰).

بر همین اساس، آخرین رسول خدا ﷺ نیز مسئولیت یافت تا هم خود عدالت را محقق سازد: «من مأمور شدم تا در میان شما به عدل رفتار کنم». (شوری/۱۵) و هم امت اسلامی را به عدالت فرابخواند: «عدالت پیشه کنید که آن به تقوا نزدیکتر است». (مائده/۸).

اساساً قرآن کریم مؤمن و جامعه ایمانی را با این ویژگی معرفی می‌کند که نه زیر بار ظلم می‌رود و نه ظلم می‌کند: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره/۲۷۹).

آری، قرآن کریم در پی ساختن جامعه‌ای است که همت تمامی افراد آن، اقامه عدالت باشد هر چند به زیان شخص یا خویشاوندان و نزدیکان آنان باشد. خداوند می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برپا دارنده عدالت باشید هر چند به زیان خود یا پدر یا مادر یا خویشاوندان شما چه توانگر یا فقیر بوده باشد» (نساء/۱۳۵).

بدینسان مورد اجرای عدالت مطلوب قرآن، به مؤمنان اختصاص ندارد؛ بلکه چنان فراگیر و گسترده است که دشمنان را نیز شامل می‌شود و نسبت بدانان نیز باید عدالت ورزید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا قیام کرده، شاهدان عدالت باشید و دشمنی با گروهی و ادارتان نکنند که عدالت نورزید، عدالت ورزید که به تقوی نزدیکتر است و تقوی پیشه کنید که او به هر کاری که می‌کنید آگاه است.» (مائده/۸).

در تفسیر نمونه آمده است که:

«در این آیه یک اصل اساسی و یک قانون کلی درباره اجرای عدالت در همه موارد بدون استثنا ذکر می‌کند و به تمام افراد با ایمان فرمان می‌دهد که قیام به عدالت کنند... باید در هر حال و در هر کار و در هر عصر و زمان قیام به عدالت کنید که این عمل خلق و خوی شما شود، و انحراف از آن برخلاف طبع و روح شما گردد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۶۱).

آری، عدالت که قراردادان هر چیز و هر شخص در جایگاه شایسته خویش است (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) دایره‌ای بسیار گسترده دارد که هم حکم و قضاوت^۱، هم سخن و گفتار^۲ و هم مسایل اقتصادی^۳ و اجتماعی^۴ را در بر می‌گیرد.

۱- «وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ؛ و چون بین مردم به حکم و داوری برخاستید، به عدل حکم کنید» (نساء/۵۸).

۲- «وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا؛ به هنگام سخن گفتن، عدالت پیشه کنید» (انعام/۱۵۲).

۳- «وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ؛ چون چیزی را پیمانه کنید پیمانه را کامل گردانید و با ترازوی درست وزن کنید» (اسراء/۳۵).

۴- «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ؛ همین که درختان میوه آورد هم از آن استفاده کنید و هم سهم محرومان را در همان روز چیدن میوه بپردازید» (انعام/۱۴۱).

در سیره نبوی و علوی، عدالت در اجرای قوانین مالی و سیستم توزیع اقتصادی و مساوات در تقسیم و برخورداری از بیت المال، چنان با دقت و شدت اجرا می‌شد که امکانات زندگی معمولی یا رفاه نسبی برای همه قابل دست‌یابی باشد (قرائتی، ص ۱۱۹) و ثروت در دست یک گروه خاص انباشته نشود و آموزه قرآنی «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ؛ تا میان توانگران شما دست به دست نگردد.» (حشر/۷) تحقق یابد.

به همین جهت برخی از اقدامات عدالت‌گسترانه آنها، موجب رنجش خاطر شد و در دسرهایی پدید آورد ولی به بهانه مصلحت سنجی ترک نشد.

به این ترتیب اجرای عدالت کار آسانی نیست و هزینه‌های خاص خود را دارد؛ هشدار خداوند متعال سختی اجرای عدالت را نشان می‌دهد: «فَاخُذْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛ در میان مردم به حق داوری کن و پیرو هوی مباش که تو را از راه خدا گمراه می‌کند.» (ص/۲۶).

آری، در جامعه‌سازی آرمانی نبوی، اقامه عدالت توسط همه انسان‌ها، یک شعار زیبا و تعارف دلکش نیست؛ بلکه یک برنامه عملی دراز‌آهنگی است که با چهار راهبرد اساسی «بینات»، «میزان» و «حدید» به صورت جدی پی‌گیری می‌شود. (حدید/۲۵).

در سیره نبوی، کسی نباید به بهانه‌های واهی هم‌چون کوچکی حوزه عمل، از اجرای عدالت دست بردارد؛ «انس بن مالک می‌گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود: من ولی عشره فلم يعدل فیهم جاء یوم القیامه و یداه و رجلاه و رأسه فی ثقب فاس؛ کسی که سرپرستی ده نفر را به عهده دارد ولی عدالت را رعایت نکند، روز قیامت در حالی می‌آید که دست‌ها، پاها و سرش در سوراخ آهنی باشد که در زیر لگام قرار دارد.» (شیخ صدوق، ۱۳۶۶، ص ۲۶۰).

شایان ذکر است عدالت مطلوب اسلام یک حکم تعبدی نیست، بلکه آثار عمیق و بی‌بدیلی در استواری، صلابت، پیشرفت و امنیت جامعه دارد. تعبیر رسای «الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم» نشان‌گر آن است که مهم‌ترین عامل محوری تهدید و ناامنی همگانی، بی‌عدالتی و ظلم است. به فرموده علامه طباطبایی رحمته علیه:

«اگر در جامعه حق پیروی شود و قسط به پا داشته شود، آن مجتمع سرپای خود خواهد ایستاد و از پا در نخواهد آمد و در نتیجه، هم غنی و توانگر باقی می‌ماند و از پای در نمی‌آید و هم حال فقیر اصلاح می‌گردد.» (طباطبایی، ۱۹۹۷، ج ۵، ص ۱۰۹).

۲. وحدت، کنار نهادن اختلافات و مهرورزی

ایجاد وحدت، حل و فصل اختلافات، به ویژه در امور دینی، ایجاد فضای اخوت و برادری، از بین بردن زمینه‌های کینه و مهرورزی، از اقدامات اساسی جامعه‌سازی دینی است.

خداوند در قرآن کریم همه مؤمنان را برادر (حجرات/۱۰) و عضو امت یگانه و بزرگ اسلامی و بنده خود خوانده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ؛ همانا این امت شما، امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس مرا پرستش کنید». (انبیا/۹۲ و مؤمنون/۵۲).

و با شناساندن «وحدت» به عنوان نعمت ویژه الهی، همه را به وحدت فراخوانده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که دشمن (یکدیگر) بودید پس خداوند میان دل‌های شما الفت و یگانگی قرار داد.» (آل عمران/۱۰۳).

قرآن کریم از تک تک افراد می‌خواهد با پیشه‌ساختن تقوا، اختلافات خود را کنار نهند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ؛ پس تقوا پیشه کنید و اختلافات میان خویش را اصلاح نمایید.» (انفال/۱).

و با مشارکت در حل اختلافات خانوادگی، نظام خانواده را به آرامش رهنمون شوند (بقره/۲۲۴ و نساء/۳۵ و ۱۱۴) و در عرصه اجتماع نیز، میان دو گروه متخاصم، صلح و دوستی پدید آورند: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا؛ و اگر دو گروه از مؤمنان به جنگ برخاستند، بین آنان اصلاح نمایید.» (حجرات/۹) خداوند، این گونه اقدامات صلح جویانه را اصلاح میان برادران نامیده است:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ؛ همانا مؤمنین برادرند پس بین برادرانتان را اصلاح نمایید.» (حجرات/۱۰).

خداوند در قرآن، به طور خاص، تفرقه در دین را مذموم و موجب عذاب معرفی نموده^۱ و امت اسلامی را از آن بر حذر داشته است.^۲ و به صورت آشکار، تفرقه‌افکنان مذهبی را به طور کلی از سنت و سیره پیامبر دور و پیامبر را از آنان، جدا دانسته است:

«کسانی که آیین خود را پراکنده ساخته‌اند و به دسته‌های گوناگون تقسیم شدند تو هیچ‌گونه رابطه‌ای با آنها نداری و سرکار آنها با خدا است سپس خدا آنها را از آن چه انجام می‌دهند، آگاه خواهد ساخت».^۳ و بر اقامه دین خدا و صراط مستقیم الهی و پرهیز از هرگز تفرقه و گروه‌گروه شدن در دین تأکید می‌کند: «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری/۱۳).

خداوند، تنازع و درگیری بین مسلمانان را بر نمی‌تابد؛ زیرا موجب سستی، از بین رفتن شخصیت و

۱- «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران/۱۰۵).

۲- «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری/۱۳).

۳- «إِنَّ الدِّينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (انعام/۱۵۹).

عزت^۱ و شکست در برابر دشمن می‌شود^۲. بر اساس این، وحدت و یک‌پارچگی، از دیدگاه قرآن، نوعی اقتدار است که باید آن را فراهم آورد و دشمن را به وسیله آن، چنان ترساند که خیال تعرض به مسلمانان را از سر به در کند.^۳

قرآن کریم، تمسک به «حبل الله»،^۴ اطاعت از خدا و رسول^۵ و اولی الامر^۶ را محور وحدت بین مسلمانان معرفی نموده، و هر گونه تحاکم به طاغوت (نساء/۶۰)، پذیرفتن حکم جاهلیت و روی گردانی از مراجعه به پیامبر و سنت و سیره حسنه آن حضرت و نپذیرفتن مرجعیت نهایی رسول اعظم در اختلافات را^۷ نشانه بی‌ایمانی،^۸ نفاق^۹ و پیروی از راه‌های گوناگون را عامل اساسی تفرقه و تشتت مذهبی دانسته است.^{۱۰}

تاریخ صدر اسلام نشان‌گر آن است که در سایه عنایت و اراده الهی و در پرتو اقدامات و سیره و سنت قولی و عملی نبوی، اختلافات و کینه‌های دیرپای قبایل در هم شکست و فضای دشمنی دیرینه و جنگ و خون‌ریزی میان قبایل چنان به فضای دوستی بدل شد که میان آنان پیمان اخوت منعقد گردید و رابطه دو قبیله بزرگ اوس و خزرج که رقیب سرسخت یک‌دیگر بودند به دوستی گرایید. در سنت مبارک نبوی، از یک سو مهرورزی و دوستی با یک‌دیگر^{۱۱} در پرتو جلال الهی، صفت مؤمنین مقرب نزد خداوند معرفی شده است:

«ان رسول الله ﷺ کان یقول: ان لله خلقاً عن یمین العرش بین یدی الله و عن یمین الله وجوههم ابیض من الثلج و اضاء من الشمس الضاحیه! یسال السائل: ما هولاء؟ فیقال: هولاء الذین تحابوا فی جلال الله؛ پیامبر ﷺ همواره می‌فرمود: خداوند آفریدگانی دارد که در جانب راست عرش الهی و در محضر حضرت حق هستند؛ صورت‌هایشان از برف سفیدتر و از خورشید درخشان‌تر است. شخصی پرسید که اینان چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی هستند که به خاطر عظمت خدا، هم‌دیگر را دوست دارند». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۷۲).

- ۱- «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ربکم...» (انفال/۴۶).
- ۲- «و لقد صدقکم الله و عده إذ تحسونهم بإذیه حتی إذا فیلتم و تنازعتم فی الأمر...» (آل عمران/۱۵۲).
- ۳- «و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه... تڑهیبون به عدو الله و عدوکم» (انفال/۶۰).
- ۴- «و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» (آل عمران/۲۰).
- ۵- «أطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا» (انفال/۴۶).
- ۶- «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (نساء/۵۹).
- ۷- «ما کان لمؤمن و لا مؤمنه إذا قضی الله و رسوله أمراً أن ینفروا لهما الخیره» (احزاب/۳۶).
- ۸- «فلا و ربک لا یؤمنون حتی ینکحوک فیما شجر بینهم» (نساء/۶۵).
- ۹- «و إذا قیل لهم تعالوا الی ما أنزل الله و الی الرسول رأیت المنافقین یصدون عنک صدوداً» (نساء/۶۱).
- ۱۰- «و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم» (انعام/۱۵۳).
- ۱۱- «و الذین معاً أتیداء علی الکفار رحماً بینهم» (فتح/۲۹).

و از سوی دیگر، نه تنها افراد از دست یازیدن به قتل کسی که شهادتین را در ظاهر جاری می‌کند،^۱ گرفتار آمدن به عجب و غلو در دین مورد قبول خود^۲ و تکفیر هر مسلمان دیگر به دلیل انگیزه‌های دنیایی و جاه‌طلبی‌های فردی یا گروهی نهی شده‌اند،^۳ بلکه همه آدمیان از توهین به یک‌دیگر بر حذر داشته شده‌اند:

«مر رسول الله ﷺ برجل من الانصار و هو يضرب وجه غلام له و يقول: قبح الله وجهك! و وجه من تشبهه! فقال النبي ﷺ: بس ما قلت! فان الله خلق آدم على صورته؛ پیامبر از کنار مردی از انصار گذشت که به صورت نوجوان خود سیلی می‌زد و می‌گفت: خدا صورتت را زشت گرداند و صورت کسی که تو شبیه او هستی! حضرت فرمود: سخن بدی گفته‌ای؛ زیرا خداوند، آدم را به شکل او آفریده است.» (سید مرتضی، ۱۴۰۹، ص ۱۲۷).

و از سوی سوم، تنظیم نمودن دوستی‌ها و دشمنی‌ها بر اساس رضای خدا، محکم‌ترین دستگیره ایمان معرفی شده است که مؤمنان با تمسک به آن می‌توانند و باید به تحکیم ایمان خود بپردازند: «براین عازب می‌گوید: یک روز من همراه پیامبر بودم. فرمود: آیا می‌دانید که کدام یک از دستگیره‌های ایمان قوی‌ترند؟ گفتیم: نماز. فرمود: نماز خوب است ولی آن نیست. گفتیم: زکات. فرمود: زکات خوب است ولی آن نیست. تمام شرایع اسلام را ذکر کردیم. حضرت فرمود: محکم‌ترین دستگیره ایمان آن است که انسان در راه خدا دوست بدارد و در راه خدا دشمن بدارد».^۴

و از نور الهی در آخرت برخوردار شوند.^۵

۱- «لما رجع رسول الله ﷺ من غزوه خيبر و بعث أسامه بن زيد في حيل الي بعض قري اليهود في ناحية فدك ليدعوهم الي الاسلام و كان رجل من اليهود يقال له مرداس بن نهيك الفدكي في بعض القرى فلما أحس بخيل رسول الله ﷺ جمع أهله و ماله و صار في ناحية الجبل فأقبل يقول: أشهد أن لا اله الا الله و أن محمداً رسول الله ﷺ، فمر بأسامه بن زيد فطعنه فقتله، فلما رجع الي رسول الله ﷺ أخبر بذلك فقال له رسول الله ﷺ قتل رجلنا شهد أن لا اله الا الله و أني رسول الله فقال: يا رسول الله انما قال: تعودا من القتل! فقال رسول الله ﷺ: فلا شققت العطاء عن قلبه و لا ما قال بلسانه قبلت و لا ما كان في نفسه علمت فحلف بعد ذلك أنه لا يقتل أحدا شهد أن لا اله الا الله و أن محمداً رسول الله ﷺ» (قمي، ج ۱، ص ۱۴۹).

۲- «لَا تَعْلُوا فِي دِينِكُمْ» (نساء/ ۱۷۱ و نیز مائده/ ۷۷).

۳- «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (نساء/ ۹۴). نیز: «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ ...» (توبه/ ۱۱).

۴- «عن ابن عازب قال: كنت مع رسول الله ﷺ ذات يوم فقال: أتدرون أي عرى الايمان أوثق؟ قلنا: الصلاة! قال: ان الصلاة لحسنة و ما هي بها قلنا: الزكاة فقال: لحسنة و ما هي بها، فذكرنا شرائع الاسلام فقال: أوثق عرى الايمان أن تحب الرجل في الله و تبغض في الله» (شيخ مفيد، ۱۴۱۳، ص ۳۶۵).

۵- «عن النبي قال: ان حول العرش منابر من نور عليها قوم لباسهم من نور و وجوههم نور ليسوا بانبياء يغبطهم الأنبياء و الشهداء قالوا: يا رسول الله! هل لنا؟ قال: هم المتحابون في الله و المتجالسون في الله و المتزاورون في الله؛ پیامبر فرمود: اطراف عرش منبرهایی از نور است و گروهی بر آنها نشسته‌اند که لباس هایشان از نور و صورت هایشان نیز از نور است. اینان انبیا نیستند، ولی پیامبران و شهدا به مقام آنها رشک می‌برند. گفتند: اینها چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که در راه خدا محبت می‌ورزند و در راه خدا می‌نشینند و در راه خدا به دیدن هم‌دیگر می‌روند» (محدث‌نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۲۲۵).

به همین جهت، آن حضرت، هرگونه افتخارگرایی و برتری طلبی را مردود اعلام نمود: «خرج رسول الله ﷺ فحدثه سلمان و شكاه اليه ما لقي من القوم و ما قال لهم: فقال النبي ﷺ: يا معشر قريش! ان حسب الرجل دينه و مروته خلقه و أصله عقله، قال الله تعالى: إِنْ أَخْلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ^۱؛ روزی پیامبر ﷺ از خانه خارج شد، سلمان نزد حضرت آمد و از آنچه که از مردم به او رسیده بود (سرزنش‌های نژادی و پیشینه آباء و اجدادی) شکایت کرد. پیامبر ﷺ فرمود: ای گروه قریش! شخصیت انسان به دینش، مروت او به اخلاقش و ریشه و اصل یک انسان به عقلش است. خداوند متعال می‌فرماید: ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را گروه گروه و قبیله قبیله ساختیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست». (نیشابوری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۸۳).

خداوند نه تنها پیامبر رحمت را به ایجاد وحدت بین مؤمنان و مسلمانان مأمور ساخت، بلکه به او فرمان داد همه جوامع دینی اهل کتاب را نیز در سایه اعتقاد به خداوند، به وحدت با مسلمانان فراخواند.^۲ به راستی چگونه می‌توان خود را پیرو سنت و سیره یا شیعه پیامبر و اهل بیت دانست و با متهم ساختن و تکفیر یکدیگر، به تفرقه‌افکنی در میان امت اسلامی پرداخت؟

مگر نه آن است که افزون بر تلاش‌های رسول اعظم ﷺ، بزرگ‌ترین صحابی آن حضرت، امام علی (علیه السلام)، نیز بیشتر از دوران مبارزه در کنار رسول خدا، یعنی بیست و پنج سال از عمر گران قدر خود، را برای وحدت میان امت اسلامی صرف نمود و از حق مسلم ولایت خود نیز چشم پوشید؟ پس چگونه در شرایط حساس کنونی که امت اسلامی به وحدت نیاز مبرم و بیشتری دارد، بر خلاف روش آن اولیای الهی، تعصب‌های نژادی، تقلیدهای کورکورانه، پیروی نابجا از روش‌های غلط نیاکان و پیشینیان،^۳ و اصرار بر اشتباهات برخی از بزرگان^۴ توانسته است از طرح و نشر اندیشه‌های وحدت‌آفرین، بر اساس حق و منطبق بر سنت نبوی و علوی سر برتافته و برای برنامه‌ریزی، رویکرد و ره‌یافت عملی تحقق آن مانع‌تراشی کند؟

آیا به راستی این همه بدبینی، سوءبرداشت، یک‌سویه‌نگری، اتهام و تهمت به یک‌دیگر برای اثبات درستی مذهب خود و ابطال مذهب دیگری که در میان فرق و مذاهب اسلامی به وجود آمده و

۱- آیه، از سوره حجرات و مدنی است، پس جریان در مدینه و حتی پس از سال پنجم هجرت بوده است، اما مخاطبان از مهاجران قریش بودند که بر سلمان فخر فروشی کرده بودند.
 ۲- «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ» (آل عمران/۶۴).
 ۳- «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ» (زخرف/۲۳): «أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَسْمَعُونَ» (ص/۱۳۹).
 ۴- «وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبْرَاءَنَا فَأَصْلَوْنَا السَّبِيلَا» (احزاب/۶۷).

توسط برخی از بیگانگان دامن زده می‌شود، با سنت و شیوه رسول خدا و اهل بیت مطهرش سازگار است؟

مگر نه آن است که پیامبر ﷺ به امت خود فرمود:

«الا خبرکم باشرارکم قالوا: بلی یا رسول الله! قال: المشاءون بالنمیمة المفرقون بین الاحببة الباغون للبراء العیب؛ آیا بدترین افراد را به شما معرفی کنم؟ عرض کردند: آری یا رسول الله! فرمود: کسانی که سخن چینی کرده و بین دوستان جدایی می‌اندازند و برای بی‌گناهان عیب درست می‌کنند.» (شیخ صدوق، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۳۷۵).

این عباس می‌گوید:

«ان النبی ﷺ سئل عن الشهادة؟ فقال: تری الشمس علی مثلها فاشهد او دع؛ از پیامبر ﷺ راجع به شهادت و گواهی دادن سؤال کردند؟ فرمود: باید مورد شهادت را همانند خورشید به عیان دیده باشی تا بتوانی شهادت بدهی و گر نه آن شهادت دادن را واگذار.» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۴۲۲) مگر خداوند حکیم، روش خردمندانه استماع و گفت‌وگو همراه با گزینش و پیروی از نیکوترین سخن را به ما نیاموخته و آن را نشانه هدایت یافتگی و خردورزی معرفی نکرده است^۱ و مگر غیبت، عیب‌جویی، دروغ، تهمت، اهانت، لعن و... در این دین مقدس حرام نیست و مگر رسول خدا به ما نیاموخته که چشم از عیب‌جویی دیگران ببوشید و عیوب دیگران را ظاهر نکنید تا خدا عیوبتان را مخفی کند^۲. که حجم فراوانی از گفتار و نوشتارهای بدبینانه بدون مدرک و سند و به صورت خصمانه و همراه با تکفیر، علیه مذاهب دیگر اسلامی منتشر می‌شود؟

آری، دور ساختن همه افراد امت از بدبینی، کینه و دشمنی که موجب کاهش تخصص و درگیری‌ها می‌شود و در نتیجه، در تحقق سلامت، پیشرفت و اصلاح جامعه اسلامی نقش به‌سزایی دارد، مسئولیت تک تک مسلمانان است. مگر نه آن است که دشمنان جوامع اسلامی، همواره با توطئه‌های گوناگون در صدد ایجاد اختلاف و نزاع میان مسلمانان می‌باشند تا در اثر این اختلاف و منازعات، زمینه‌های تشکیل، تشکل، اصلاح، قدرت و عزت جامعه بزرگ و امت اسلامی از بین برود؟ آیا هر یک از ما برای از بین بردن زمینه‌های حسد و کینه در جامعه بزرگ و فراگیر امت اسلامی مسئولیت نداریم و آیا این مسئولیت را ایفا کرده‌ایم تا آن گونه بشویم که قرآن کریم در توصیف بهشتیان می‌فرماید: «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ؛ هر گونه حسد و کینه و

۱- «فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر/۱۷).

۲- «قال رسول الله ﷺ: كان بالمدينة اقوام لهم عيوب فسكتوا عن عيوب الناس فاسكت الله عن عيوبهم الناس فماتوا و لا عيوب لهم عند الناس و كان بالمدينة اقوام لا عيوب لهم فتكلموا في عيوب الناس فظاهر الله لهم عيوباً لم يزلوا يعرفون بها الى ان ماتوا» (شیخ حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۵، ص ۲۹۲).

دشمنی را از سینه آنها برکنندیم در حالی که همه با هم برادرند بر روی تخت‌ها رویه‌روی یک‌دیگر قرار دارند.» (حجر/۴۷) نه آن گونه باشیم که در وصف دوزخیان مطرح می‌سازد:

«إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ» (ص/۶۴).

«كُلُّنَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا» (اعراف/۳۸).

۳. اصل تعاون و همکاری

یکی از سنت‌های نبوی در جامعه‌سازی اسلامی، بسط و گسترش اصل تعاون و همکاری اعضای آن با یک‌دیگر است. از دیدگاه اسلام افراد جامعه اسلامی عضو یک پیکرند (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۵) که در شادی و غم یک‌دیگر شریک می‌باشند؛ آنان باید دست به دست هم بدهند تا با همکاری و تعاون، مشکلات را حل کنند. البته باید این همکاری‌ها بر محور «بِرِّ = نیکوکاری و تقوا» باشد نه بر محور «اِثْم = گناه و تجاوز»؛ یعنی در تعاون و همکاری‌ها باید تنها مصلحت جامعه اسلامی و رضایت خداوند را در نظر گرفت.

خداوند از یک سو همگان را به تعاون و مشارکت در کارهای خیر و تقوا و عدم همکاری در گناه و تجاوز فراخوانده است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...» (مائده/۲). و از سوی دیگر، از سستی برخی مسلمانان در بازگرفتن حقوق محرومان و رانده شدگان از دیار خود انتقاد نموده و آنان را مورد عتاب قرار داده است که:

«شما را چه شده است که در راه خدا و (گرفتن حقوق) مردان و زنان و کودکان مستضعف کار زار نمی‌کنید؟»^۱

خداوند فقط به فراخوان و دعوت مؤمنان به تعاون و عتاب آنان در کندی هم‌یاری مستضعفان بسنده ننموده، بلکه موضوع، شیوه و راه‌های تعاون را نیز پیش رو نهاده است تا هیچ کس نتواند با بهانه‌جویی از این مسئولیت بزرگ اجتماعی بگریزد:

سلام کردن به هر مؤمن به هنگام ملاقات^۲ و سلام دیگران را به نیکی جواب دادن حتی در حال نماز،^۳ حضور فعال در اجتماعات مذهبی هم‌چون نماز جماعت و جمعه، پرداخت زکات،^۴ متعهد بودن نسبت به خویشاوندان و همسایگان از هر ملت و مذهب،^۵ خیرخواهی و ابراز

۱- «مَا لَكُمْ لَأْتُمَاتِلُونَنِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ...» (نساء/۷۵).

۲- «وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (انعام/۵۴).

۳- «فان رسول الله ﷺ كان قائماً يصلي فمر به عمار بن ياسر فسلم عليه فرد عليه النبي هكذا» (كليني، پیشین، ج ۳، ص ۳۶۶).

۴- «وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره/۴۳).

۵- «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْإِثْمَانِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ» (نساء/۳۶).

خالصانه‌ترین آرزوهای نیک قلبی و درخواست مغفرت و آمرزش از خداوند متعال برای برادران مؤمن^۱ نمونه و مصادیقی از هم‌دلی، تعاون و هم‌یاری در میان امت اسلامی است.

به عنوان نمونه، به یک سنت نبوی در مورد حق همسایه اشاره می‌گردد:

«پیامبر ﷺ فرمود: آیا می‌دانید که حق همسایه چیست؟ عرض کردند: خیر! فرمود: اگر از تو کمک خواست به کمک او بشتابی، اگر قرض خواست به او بدهی، اگر فقیر شد به او کمک برسانی و اگر به مصیبتی دچار شد به او تسلیت بدهی، اگر خیری نصیب او شد به او تبریک بگویی، اگر مریض شد به عیادت او بروی و اگر مُرد به تشییع جنازه‌اش حاضر شوی، ساختمان‌ت را در مقابل خانه او چنان بلند نسازی که جلو هوا را بگیرد مگر به اجازه او! وقتی که میوه خریدی برای او نیز هدیه ببری و اگر نمی‌توانی، میوه را مخفیانه به منزل ببر و فرزندت را با میوه بیرون میاور که فرزند او را به خشم در آورد و همسایه را با بوی غذای دیگ خود آزار مرسان مگر آن که برای او نیز سهمیه‌ای بفرستی».^۲

در سیره نبوی آمده است که: «روزی برای پیامبر هدیه‌ای آوردند و نزد ایشان چند نفر نشسته بودند. فرمود: شما نیز در این هدیه، شریک من هستید!». (شهید ثانی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۴).

اکنون پرسش قابل تأمل این است که سخن نبوی پیش‌گفته ویژه همسایگان یک محله، یک شهر و یک کشور اسلامی است، یا در جامعه‌سازی اسلامی، کشورهای اسلامی نیز نسبت به کشورهای همسایه مسلمان خود چنین وظایفی بر عهده دارند؟

چرا ما همواره به احکام اسلام با چشم فردگرایانه می‌نگریم و آنها را در سطح کلان در نظر نمی‌گیریم؟ مگر امت اسلامی، امتی واحد و یگانه نیست؟ آیا تعهد در برابر تک تک افراد این امت در هر کشور و از هر نژاد و زبان و رنگ، و هم‌بستگی، یاری و دفاع از یک‌دیگر، از وظایف همه کشورهای مسلمان نیست؟

به نظر می‌رسد کنفرانس اسلامی، سران، دولت‌ها و مجالس کشورهای اسلامی، در موارد بالا، مسئولیت‌های اساسی دارند و عالمان و اندیشمندان دلسوز امت در بازکردن باب گفت‌وگو و مباحثات علمی مستقیم و رو در روی مذاهب اسلامی، وظیفه‌ای خطیر بر دوش دارند؛ زیرا اجازه برگزاری مراسم دینی پیروان ادیان دیگر در مسجد نبوی و بحث و مناظره برای روشن شدن حق با آنان، از سیره پیامبر ﷺ بود.^۳

۱- «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِأَخْوَانِنَا» (حشر/۱۰)؛ «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِأُمَّؤُنَيْنِ ...» (ابراهیم/۴۱).

۲- «ان رسول الله ﷺ قال: أتدرون ما حق الجار؟ قالوا: لا قال: ان استغاثك أغثته و ان استقرضك أقرضته و ان افتقر عدت عليه و ان أصابته مصيبة عزيتة و ان أصابه خير هنأته و ان مرض عدته و ان مات تبعته جنازته و لا تستطيل عليه بالبناء فتحجب الريح عنه الا باذنه و اذا اشتريت فاكهة فأهد له فان لن تفعل فادخلها سرا و لا تخرج بها ولدك تغيط بها ولده و لا تؤذ به بريح قدرك الا أن تعرف له منها» (شهید ثانی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۴).

۳- «و كان رسول الله ﷺ فحضرت صلواتهم فقاموا فصلوا في مسجد رسول الله ﷺ لتقاء المشرق فهم بهم رجال من اصحاب رسول الله بمنعمهم، فاقبل رسول الله ﷺ فقال: دعوهم فلما قضا صلواتهم جلسوا اليه و ناظروه فقالوا يا ابا القاسم حاجتنا في عيسى....» (شيخ مفيد، ۱۴۱۳، ص ۱۱۴).

۴. اصل توسعه و بهسازی اقتصادی با احسان و نیکوکاری و مبارزه با فقر

بهسازی وضعیت عمومی افراد جامعه، محرومیت‌زدایی، مبارزه با فقر و رسیدگی به ضعف و ایتمام و زیردستان از طریق برنامه‌ریزی‌های کلان، تدوین و اجرای قوانین توزیع عادلانه ثروت،^۱ همراه با توجه به نیازمندی‌ها و برآوردن آنها با انفاق در راه خدا^۲ از آن‌چه خداوند روزی کرده،^۳ اعطای وام^۴ و مهلت دادن برای ادای آن،^۵ احسان و نیکوکاری^۶ و پرداختن صدقه به محرومین نه از سر ترحم و همراه با مَتَّ و اذیت و فخرفروشی،^۷ بلکه از سر ذی حق و شریک دانستن فقیران در ثروت خود،^۸ یکی از تلاش‌ها و اقدامات اساسی نبی مکرم اسلام ﷺ در جامعه‌سازی دینی بود که باید هم اکنون نیز در درون کشورهای اسلامی و جامعه‌سازی بزرگ امت اسلامی مدنظر قرار گیرد.

۵. اصل مسئولیت نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر (اعراف/۱۹۹)

پی‌افکندن نظارت همگانی، توصیه متقابل مسلمانان به حق و صبر و امر به معروف و نهی از منکر و کنار نهادن رخوت، سستی و بی‌تفاوتی نسبت به امور اجتماعی که آثار نیک و بد آن همه را در بر خواهد گرفت (انفال/۲۵)، یکی از اصول سنت نبوی در جامعه‌سازی دینی است.

از دیدگاه قرآن کریم، جامعه اسلامی آن‌گاه بهترین جامعه و مردم آن برترین امت‌ها است که امر

به معروف و نهی از منکر در آن اجرا شود (طباطبایی، پیشین، ج ۳، ص ۴۱۵):

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...؛ شما گروه مسلمانان بهترین امت هستید...» (آل عمران/۱۱۰). آری، دست‌یابی به جایگاه «امت برتر و ممتاز» زمانی ممکن است که دعوت به سوی نیکی‌ها و مبارزه با کژی‌ها فراموش نشود، وگرنه در آن زمان که این دو وظیفه فراموش شده، نه مسلمانان بهترین امت هستند و نه برای جامعه بشریت سودمند خواهند بود. (مکارم شیرازی، پیشین، ج ۳، ص ۴۷).

به این ترتیب، از اقدامات جامعه‌ساز رسول اعظم ﷺ، پرس و جو برای اطلاع یافتن از وضع مردم

۱- «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ وَبَيْنَكُمْ؛ تا ثروت تنها در میان توانگران شما دست به دست نگردد» (حجرات/۱۳).

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ» (بقره/۲۶۷).

۳- «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ الْمَوْتُ» (منافقون/۱۰).

۴- «مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید/۱۱).

۵- «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» (بقره/۲۸۰). ع- «أَحْسِنُوا إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/۱۹۵).

۶- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ» (بقره/۲۶۴) نیز (بقره/۲۶۲).

۷- «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِّلنَّاسِ لِيَأْتِوا بِالْمَخْرُومِ» (معارج/۲۵-۲۴).

به منظور پیش‌گیری از گمراهی آنان^۱، تلاش دلسوزانه برای دور ساختن مردم از گناه^۲، تشویق مداوم مردم به محاسن اخلاقی^۳، معرفی نیک و بد و مصادیق آن (بقره/۱۲۹ و آل‌عمران/۱۶۴) و در یک کلام، برافراشتن بنیان امر به معروف و نهی از منکر بود.

نکته مهم و شایان ذکر این است که هم‌اکنون در انجام این اصل اجتماعی و جامعه‌ساز، به ویژه در داخل امت، باید از خودمحموری، یک‌سویه‌نگری، تنها خود را بر حق دانستن و بر دیگران به صورت کلی خط بطلان کشیدن‌های موهوم و تندی در گفتار و عمل پرهیز کرد؛ زیرا قرآن کریم بیشتر گمان‌ها را، گناه^۴ و مسخره کردن، عیب‌جویی، لقب و نام بد بر یک‌دیگر نهادن را ستم‌کاری معرفی نموده و مسلمانان را از آن بازداشته است.^۵

در سیره نبوی نیز، در امر به معروف و تذکر به افراد، حفظ احترام و ادب، پرهیز از سخنان تنفربرانگیز^۶ بردباری، حیا، صداقت، تواضع، تعادل، نرمی سخن و کوتاهی صدا، احترام بزرگ‌تران و ترحم نسبت به کوچک‌تران رعایت می‌شد و از هتک حریم و بازگفتن و تکرار لغزش‌های افراد، اجتناب می‌گردید.

ما نیز باید هم‌چون رسول خدا ﷺ باشیم که: «همواره تبسم بر لب داشت، اخلاقی نرم و هم‌نشینی‌اش آرام بود، نه خشن بود و نه سخت‌گیر و نه فحاش و نه عیب‌جو و نه متملق و از آنچه که نمی‌پسندید، تغافل می‌کرد و هیچ‌کس از او ناامید نبود.»^۷

بر اساس این، ما پیروان راه آن حضرت، نباید به بهانه امر به معروف و مبارزه با منکر، به جان هم بیفتیم و موجبات دلگیری، اختلاف، آزار و زد و خورد با یک‌دیگر را فراهم کنیم؛ زیرا

۱- «و یتفقّد اصحابه و یسأل الناس عما فی الناس..... الا یغفل مخافة ان یغفلوا و یمیلوا» (شیخ صدوق، معانی الاخبار، ۱۳۶۱، ص ۷۹).

۲- «كان رسول الله ﷺ بهم رحيماً و عليهم عطفاً و فی ازالة الاثام عنهم مجتهداً» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۳۳۱).

۳- «كان رسول الله ﷺ اذا خطب قال فی اخر خطبته: طوبی لمن طاب خلقه و طهرت سجيته و صلحت سريره و حسنت علانيته و انفق الفضل من ماله و امسك الفضل من كلامه و انصف الناس من نفسه» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۴).

۴- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ» (حجرات/۱۲).

۵- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (حجرات/۱۸).

۶- «و كان لا يتكلم احداً بشيء يكرهه» (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۲).

۷- «مجلسه مجلس حلم و حياء و صدق و امانه لا ترفع فيه الاصوات و لاتؤين فيه الحرم و لاتنتي فلناته متعادلين متواصلين فيه بالتقوى متواضعين يوقرون الكبير و يرحمون الصغير و يؤثرون ذا الحاجة و يحفظون الغريب فقلت: فكيف كانت سيرته في جلسائه؟ فقال: كان دائم البشر سهل الخلق لين الجانب ليس بفظ و لا صخاب و لافحاش و لا عياب و لا مداح يتغافل عما لا يشتهي فلا يؤيس منه...» (مجلسی، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۵۲).

برابر فرموده پیامبر ﷺ: شبیه‌ترین مردم از حیث صفات اخلاقی به آن حضرت کسی است که دارای اخلاقی زیباتر، نرمی و ملایمت افزون‌تر، نسبت به خویشاوندانش نیکوکارتر، نسبت به برادران دینی‌اش مهربان‌تر، نسبت به حق صبورتر و دارای کنترل خشم و بخشش و انصاف بیشتری باشد.^۱ بنابراین باید غیرت دینی برگرفته از غیرت الهی جامعه بزرگ اسلامی را به این سو هدایت کرد که هیچ مسلمانی به هتجار شدن منکرات را برنتابد و در مقابل عادی‌سازی گناه در کشورهای اسلامی لب فرو نیسته و تساهل و تسامح را روا ندارد.

اگر نیک تأمل کنیم اکنون غیرت دینی امت اسلامی و رسالت همه افراد آن، در بعد داخلی، در اصلاحات درونی و برگزاری گفت‌وگوهای سازنده برای ایجاد وحدت در میان امت ظاهر می‌شود و در بعد خارجی، در ایستادگی و مبارزه علمی و عملی با بزرگ‌ترین هجوم و قتل عام فرهنگی غرب تجلی می‌یابد؛ مگر نه آن است که فساد انبوه اعتقاد و عمل آن، مغرب زمین، مکتب و مقدسات اسلامی را مورد تهاجم همه‌جانبه قرار داده است و حتی به اشغال کشورهای اسلامی دست یازیده و از اشغال‌گران قدس نیز حمایت می‌کند؟

۶. اصل مبارزه با هر گونه فساد اخلاقی، مالی، اداری و سیاسی

خداوند، به هیچ وجه فساد را بر نمی‌تابد و جامعه اسلامی را بدون فساد می‌خواهد؛ به همین جهت، در آیات بسیاری از کتاب آسمانی خود، آدمیان را از ارتکاب هر گونه فساد نهی می‌کند. مرحوم شیخ طبرسی در ذیل آیه «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ» (اعراف/۵۶) می‌فرماید:

«منظور از فساد در زمین، اضرار و زیان رساندن به مردم است و برخی به معنای کشتار و قتل مؤمنان و ظلم و گناه نیز تفسیر کرده‌اند.» (شیخ طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۵۶).

مرحوم شیخ طوسی در تبیان می‌فرماید:

«فساد عبارت است از هر چیزی که از اعتدال و استقامت خارج شده باشد.» (شیخ طوسی، ج ۱، ص ۷۵).

فخر رازی فساد را «خروج شیء از قابلیت انتفاع» و نقیض آن را «صلاح» دانسته است و از ابن عباس نقل می‌کند که یکی از معانی فساد در زمین: «آشکار کردن گناهان و تظاهر بر گناه و معصیت علنی» است. (رازی، ۱۹۶۷، ج ۶، ص ۴۹).

به این ترتیب، منظور از فساد در زمین، هر گونه خروج از اعتدال، غیر قابل انتفاع ساختن و زیان رساندن به دیگران، و به اختصار، هر کاری است که خدا از آن نهی کرده باشد؛ بنابراین مطلق گناه و

۱- «قال: النبي ﷺ ألا أخبركم بأشبهكم بي؟ قالوا: بلى يا رسول الله! قال: أحسنكم خلقاً و أليكم كنفاً و أبركم بقرابته و أشدكم حباً لاخوانه في دینه و أصبركم على الحق و أكظمكم للغیظ و أحسنكم عفواً و أشدكم من نفسه انصافاً في الرضا و الغضب» (شیخ حر عاملی، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۹۳).

معصیت، فساد و افساد در زمین محسوب می‌شود. به همین جهت، مبارزه و جلوگیری از قتل و آدم‌کشی،^۱ فتنه،^۲ دزدی،^۳ رباخواری،^۴ قطع رحم،^۵ نابود ساختن زراعت و نسل^۶ و از میان برداشتن انواع تباهی و نادرستی در محیط اجتماعی^۷ لازم و واجب دانسته شده و ترویج خوبی و نیکی اجتماعی از همگان درخواست شده است.

در سیره حسنه پیامبر ﷺ در امور مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، نکاتی وجود دارد که در راستای تحقق این اصل مهم جامعه‌سازی قرآنی، معنای خود را می‌یابد:

تعهد نسبت به اموال بیت‌المال و دغدغه نسبت به صرف آن در مورد مقرر خود،^۸ طرد فاسدان و کافران و نهی از هم‌نشینی با آنها^۹ تحریم و منع همراهی و همکاری با ظالم^{۱۰}، عدم دریافت هدیه از کفار،^{۱۱} ممنوع ساختن ترور و کشتار جمعی^{۱۲}، قاطعیت در برابر ویژه‌خواهی و خواسته‌های ناصحیح نزدیکان و یاران نزدیک همانند درخواست آنان در مورد بازبودن درب خانه‌هایشان به مساجد (اربلی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۲۰).

۷. اصل سامان‌دهی و به سامان نمودن امور

در سنت و سیره نبوی در امر جامعه‌سازی، هرگز امور مختلف مردم به حال خود رها نمی‌شد و آن حضرت تحت عنوان تکیه بر مشیت و اراده الهی یا به اسم توکل و برخورداری از رحمت خداوند،

۱- «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مَتَعَمَدًا...» (نساء/۹۳).

۲- «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره/۲۱۷).

۳- «مَا جِئْنَا لِنُقْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ» (یوسف/۷۳).

۴- «فَأَذْنُوبًا يَحْرَبُ مِنَ اللَّهِ» (بقره/۲۷۹).

۵- «أَنْ تُقْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ» (محمد/۲۲).

۶- «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» (بقره/۲۰۵).

۷- «إِنْ أَرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ» (هود/۸۸).

۸- «قد دخلنا على رسول الله ﷺ عشيا فرايناه كئيبا حزينا فلما اصبحنا اتيناه فرايناه ضاحكا مستبشرا فقلنا له: بأبائنا و امهاتنا دخلنا اليك البارحة فرايناك كئيبا حزينا ثم عدنا اليك اليوم فرايناك فرحا مستبشرا فقال: نعم كان قد بقي عندي من في المسلمين اربعة دنائير لم اكن قسمتها و خفت ان يدركني الموت و هي عندي و قد قسمتها اليوم و استرحت منها» (قمي، ج ۱، ص ۵۱).

۹- «ان رسول الله ﷺ كان يقول: من كان يؤمن بالله و اليوم الاخر فلا يؤاخين كافرا و لا يخالطن فاجرا و من اخى كافرا او خالط فاجرا كان فاجرا كافرا» (شيخ حر عاملي، پيشين، ج ۱۶، ص ۲۶۵).

۱۰- «ان رسول الله ﷺ قال: من مضى مع ظالم يعينه على ظلمه فقد خرج من ريقه الاسلام و من حالت شفاعته دون حد من حدود الله فقد حاد الله و رسوله و من اعان ظالما ليبطل حقا لمسلم فقد برى من ذمة الاسلام و ذمة الله و ذمة رسوله و من دعا لظالم بالبقاء فقد أحب أن يعصى الله و من ظلم بحضرته مؤمن أو اغتیب و كان قادرا على نصره و لم ينصره فقد باء بغضب من الله و من رسوله و من نصره فقد استوجب الجنة من الله تعالى» (ديلمي، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۶).

۱۱- «ان رسول الله ﷺ نهى عن زبد المشركين» (محدث نوری، پيشين، ج ۱۱، ص ۱۲۸).

۱۲- «عن علي بن ابي طالب ان رسول الله ﷺ نهى ان يلقى السم في بلاد المشركين» (پيشين، ج ۱۵، ص ۱۳۶).

شانه از مسئولیت حل مسایل و مشکلات مردم خالی نمی‌کرد، بلکه با چاره‌اندیشی، طرح و برنامه اجرایی و سامان‌دهی امکانات، در جهت به سامان کردن مسایل، اقدام می‌نمود.

بازسازی و توسعه مسجد نبوی در زمان پیامبر در پی افزایش مسلمانان، و فرمان آن حضرت برای اختصاص یافتن یک درب به زنان به منظور جلوگیری از اختلاط زن و مرد و نهی از تشبّه زن و مرد به یک‌دیگر^۱، نمونه‌های بسیار روشن اقدامات عملی آن حضرت است.^۲

هم‌چنین تأکید بر مشورت نمودن قبل از تصمیم‌گیری^۳ برای حل امور،^۴ عاقبت‌نگری به هنگام تصمیم‌گیری،^۵ ترویج فرهنگ مدارا با هم‌دیگر،^۶ اصلاح رفتار افراد با مردم بر اساس این معیار که «هرگونه دوست دارید دیگران با شما رفتار کنند، شما با آنان رفتار کنید»،^۷ قدرت نمایی و ظاهراآرایی در برابر دشمن^۸ و عدم انفعال در برابر تهدیدات و خشونت دشمن^۹، نمونه‌های دیگری است که باید دلسوزان امت اسلامی را به چاره‌جویی برای حل مشکلات جامعه بزرگ اسلامی رهنمون شود و عزّت پیشین این امت بزرگ را زنده گرداند: ان شاء الله.

۱- «ان رسول الله ﷺ لعن المتشبهين من الرجال بالنساء و لعن المتشبهات من النساء بالرجال» (مجلسی، پیشین، ج ۷۳، ص ۳۴۱).

۲- «پیامبر آن‌گاه که مسجد ساخت آن را با یک خشت می‌ساخت، چون مسلمین زیاد شدند، گفتند: کاش دستور می‌دادی که مسجد افزایش یابد. فرمود: خوب است و مسجد را با یک خشت و نیم ساخت. باز جمعیت زیاد شد و گفتند: کاش مسجد را افزایش می‌دادی. دستور داد که دیوار مسجد را دو خشت به صورت طاق و جفت بسازند و چون هوا گرم شد، گفتند: کاش مسجد سایبان داشت. پیامبر دستور داد ستون‌هایی از تنه درخت خرما برپا کنند و برگ‌های درختان خرما و خاشاک‌ها را بر سقف و اطراف آن قرار دهند و...» (پیشین، ج ۹۶، ص ۳۸۰، به نقل از معانی الاخبار، ص ۱۵۹).

۳- «ان رسول الله ﷺ كان يستشير اصحابه ثم يعزم على ما يريد» (شیخ حر عاملی، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۴).

۴- «قال أمير المؤمنين عليه السلام: يا رسول الله! ارايت اذا نزل بنا امر ليس فيه كتاب ولا سنة منك ما نعمل فيه؟ قال النبي ﷺ: اجعلوه شوري بين المؤمنين» (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۶۱۴).

۵- «قال رسول الله ﷺ: اذا هممت بامر تدبر عاقبته فان یک رشدا فامضه و ان یک غيا فائته عنه» (برقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶).

۶- «امرني ربي بمداواة الناس كما امرني بآداء الفرائض» (کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۷).

۷- «جاء اعرابي الى النبي ﷺ فقال يا رسول الله! علمني عملاً ادخل به الجنة، فقال: ما احببت ان ياتيہ الناس اليك فاته اليهم و ما كرهت ان ياتيہ الناس اليك فلا تأتہ اليهم» (شیخ حر عاملی، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۸۷).

۸- «علي بن حسين بن علي عليه السلام قال: امر رسول الله ﷺ في غزاة غزاهما ان يختضبوا بالسواد ليقووا به على المشركين» (کلینی، پیشین، ج ۶، ص ۴۸۱).

۹- «بعث رسول الله ﷺ الحارث بن عمير الازدي في سنة ثمان الى ملك بصري بكتاب فلما نزل مؤتة عرض له شرحبيل بن عمرو الغساني فقال اين تريد قال: الشام قال: لعلك من رسل محمد قال: نعم فامر به فوثق رباطا ثم قدمه فضرب عنقه و لم يقتل لرسول الله ﷺ رسول غيره و بلغ ذلك رسول الله ﷺ فاشتد عليه و ندب الناس و اخبرهم بمقتل الحارث فاسرعوا و خرجوا فمسكروا بالجرف» (ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۶۱).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بدون تردید، بر اساس وعده خداوند در قرآن کریم^۱ جامعه بشری، به سوی بسط و گسترش روزافزون اسلام و تحقق اراده الهی مبنی بر حاکمیت مطلق ارزش‌های الهی در حرکت است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید:

«کاوش عمیق در احوال کائنات نشان می‌دهد که انسان به عنوان جزئی از کائنات در آینده به غایات و کمال خود خواهد رسید و این همان ظهور و استقرار اسلام در دنیا و به دست گرفتن مدیریت کامل مجتمع انسانی و استقرار اسلام در جهان است. که خداوند وعده تحقق آن را در قرآن کریم داده است.» (طباطبایی، ۱۹۹۷، ج ۴، ص ۱۰۰).

شهید مطهری نیز می‌فرماید:

«جامعه‌ها و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به سوی یگانه شدن، متحد الشکل شدن و در نهایت امر در یک‌دیگر ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی جامعه جهانی واحد تکامل یافته‌ای است که در آن همه ارزش‌های امکانی انسانیت به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود و بالاخره به انسانیت اصیل خود خواهد رسید.» (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۳۵۹).

بر اساس مطالب پیش‌گفته، برای محقق ساختن وعده الهی مبنی بر حاکمیت ارزش‌های اسلامی بر جهان و تشکیل امت یگانه اسلامی، باید همه مذاهب اسلامی در پرتو نور قرآن و بر اساس سنت و سیره نبوی اصیل و با مدنظر قرار دادن اصول جامعه‌سازی نبوی، برنامه‌ریزی کرده و گام بردارند تا زمینه جامعه نمونه جهانی به رهبری مهدی موعود از اهل بیت مطهر آن حضرت فراهم آید؛ ان شاء الله.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، ۱۳۹۲.
- ۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
- ۴- اربلی، بهاء‌الدین علی بن عیسی بن ابی‌الفتح، کشف‌الغمة، دارالاضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۵.
- ۵- امام فخر رازی، تفسیر کبیر، انتشارات بیروت، چاپ سوم، بی‌تا.
- ۶- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دار الکتب الاسلامیه، تهران، بی‌تا.

۱- «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امننا یعبودونی لایشركون بی شیئاً و من کفر بعد ذلک فأولئک هم الفاسقون» (نور/۵۵).

- ۷- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، نشر اسراء، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۸- دیلمی، ارشاد القلوب، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲.
- ۹- رازی، فخر الدین محمد، التفسیر الکبیر، المكتبة التوفیقیة، قاهره، ۱۹۶۷.
- ۱۰- سید مرتضی، تنزیة الانبیاء، دار الاضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۹.
- ۱۱- شهید ثانی، شیخ زیدالدین علی بن احمد جبل عاملی، مسکن الفؤاد، انتشارات آل البيت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷.
- ۱۲- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ و نیز کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۷.
- ۱۳- شیخ صدوق، ابن بابویه، ثواب الاعمال، ترجمه: علی اکبر غفاری، نشر صدوق، بی‌جا، ۱۳۶۶.
- ۱۴- شیخ صدوق، معانی الاخبار، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱.
- ۱۵- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۱.
- ۱۶- شیخ طبرسی، ابی علی فضل بن حسن، مجمع البیان، انتشارات دارالمعرفه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۶.
- ۱۷- شیخ طبرسی، مکارم الاخلاق، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲.
- ۱۸- شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۹۹۷.
- ۱۹- شیخ مفید، الاختصاص، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳.
- ۲۰- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، اسلامی، تهران، ۱۹۹۷.
- ۲۱- قرآنی، محسن، نبوت، نشر والعصر، قم، چاپ اول، بی‌تا.
- ۲۲- قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر القمی، مؤسسه دارالطباعه و النشر، قم، چاپ سوم.
- ۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
- ۲۴- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، چاپ و نشر وزارت ارشاد، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۰.
- ۲۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۴.
- ۲۶- محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸.
- ۲۷- مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ اول.
- ۲۸- مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۶۸.

۲۹- مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن - ۷ -، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۳۰- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۳۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر پیام قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.

۳۲- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۰.

۳۳- نیشابوری، محمد بن فتال، روضة الواعظین، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۸۶.

